

رمانی که خواننده را پشیمان نمی‌کند

۲۲ آذر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۴۷

رمان «برج قحطی» اثری است که خواننده از خواندن آن پشیمان نمی‌شود. نویسنده در این اثر کوشیده اثری متمایز در فضای انقلاب خلق کند و اتفاقاً موفق نیز بوده است.

انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی قرن بیستم همواره مورد توجه خالقان آثار هنری بوده است. این بار هادی حکیمیان از این موضوع استفاده کرده و دست به خلق اثری با محوریت انقلاب اسلامی زده و «برج قحطی» را به خوانندگان ادبیات داستانی پیشنهاد کرده است. تمام اتفاقات این رمان در شهرستان یزد روی می‌دهد و خواننده از همان ابتدا تکلیف خود را با مکان داستان می‌داند و پس از آن در جستجوی سایر گره‌های موجود در این داستان می‌رود. اطلاعاتی که نویسنده از یزد به خواننده می‌دهد اطلاعاتی دقیق است و خواننده اگر اندک اطلاعی از پیشینه یزد داشته باشد تصاویر شهر را مجسم خواهد کرد. همچنین برای خواننده‌ای که یزد را نمی‌شناسد نیز این رمان اطلاعات جالب توجهی دارد.

حکیمیان به بهانه پرداختن به انقلاب اسلامی به ظلم حکام و خان‌های جائز یزد اشاره کرده است. خواننده در «برج قحطی» با سرمایه‌داران و افراد صاحب نفوذ یزد به بهانه‌های مختلفی که نویسنده در دل متن تراشیده آشنا می‌شود و با خیانت‌هایی که در حق رعیت و یا احیاناً خدماتی که انجام داده‌اند روبرو شده است. حضور اقشار مختلف در رمان حکیمیان نیز چشمگیر است.

البته به نظر می‌رسد حکیمیان در روایت روزگار حکام و خان‌های یزد گاهی زیاده‌روی کرده و خواننده به واسطه آن از خط اصلی داستان خارج می‌شود. به عبارتی اگر روایت حکیمیان در ارتباط با این افراد را از «برج قحطی» جدا کنیم چیزی باقی نماند اما در اینجا باید به قوت فوق‌العاده قلم حکیمیان تبریک گفت که توانسته با چیره‌دستی خواننده را با خود همراه کند و متوجه این نکته نشود.

«برج قحطی» یک روایت متفاوت از روزگار پهلوی در یزد است که نویسنده سعی کرده با کمترین اشاره به حکومت پهلوی، منسوبین آنها را به خواننده نشان دهد و نتیجه‌گیری را به خواننده واگذار کند که اتفاقاً از پس این کار بر آمده است.

شخصیت‌پردازی‌های «برج قحطی» یکی دیگر از برجستگی‌های آن است که نویسنده توانسته از پس آن بر بیاید و خواننده را در کنار هر کدام از شخصیت‌ها قرار دهد. البته تعدد شخصیت‌ها یکی از نکاتی است که نه به عنوان نقطه ضعف رمان بلکه به عنوان

نکته‌ای که موجب است خواننده را گیج و سر در گم کند می‌توان بیان کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های رمان حکیمیان حضور «گره بیدنجیلی» است که در سرتاسر داستان حضور پررنگی دارد که به نظر می‌رسد این یک نماد در داخل این رمان است. گره که نماد ایران است در بیشتر صحنه‌ها بچه‌اش را به نیش گرفته که در حقیقت نماد ایران است و آینده خود را حفظ می‌کند. این گره اتفاقات گوناگون را پشت سر می‌گذارد و تاریخ را رقم می‌زند.

قلم حکیمیان در این اثر یک قلم فاخر و توانا است که خواننده را مبهور خود می‌کند و او را در چنگال خود گرفتار خواهد کرد. در حقیقت می‌توان گفت «برج قحطی» دارای یک متن مستحکم است که خواننده را اذیت نمی‌کند. نویسنده در «برج قحطی» با به کار بردن واژگان بومی متنی کهن‌مایه به خواننده پیشنهاد داده است. اما اشاره به این نکته نباید فراموش شود که استفاده نویسنده از عبارات و اصطلاحات محلی مربوط به زادبوم یزد بدون ارائه ترجمه و یا معنای آن گاهی برای خواننده ملال آور شده است.

رمان حاضر با یک شروع خوب خواننده را ترغیب به خواندن ادامه آن می‌کند ولی با پیشرفت قصه خبری از آن آغاز شکوهمند نیست. نویسنده قصه ابتدایی رمان خود را رها کرده و از سوژه ورودی رمان برای بسط دادن قصه خود به خوبی سود برده تا بتواند تاریخ یزد را روایت کند که در این قسمت موفق بوده است.

در مجموع رمان «برج قحطی» به قلم هادی حکیمیان اثری است که خواننده از خواندن آن پشیمان نمی‌شود. این اثر که به نوعی می‌توان آن را یک اثر تاریخی دانسته، به صورت فشرده تاریخ یزد را نیز بازگو کرده و تصویر طبقات و اقشار مختلف را به نمایش در آورده است. نویسنده در این اثر کوشیده اثری متمایز در فضای انقلاب خلق کند و اتفاقاً موفق نیز بوده است.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۳۲۲۰۰/> کند-نمی-پشیمان-خواننده-رمانی/۳۲۲۰۰/